



مزون نوژا

در خدمت همشهریان عزیز

دوخت فرم مدارس متوسطه اول و دوم
شامل مانتو، شلوار، مقننه و انواع شومیز
سفارش همه روزه از ساعت ۹ الی ۱۴- میر مجیدی

۰۹۳۹۳۰۱۶۱۷۲ - ۰۱۷۳۲۲۲۴۸۰۲
nozhaa_collection

یادداشتی برای نمایشگاه نقاشی جان رقصان
آثاری از دوست هنرمندم حامد شریفی



۳

دستفروشان
ساماندهی می شوند



۳

ادبیات
کودک و نوجوان



۵۴

کاشمیر

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

چهارشنبه ۳ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴ / سال بیست و ششم / شماره ۸ / صفحه ۲۵۰۰ تومان

یادداشت اول

قیصر امین پور و...

با مسوولیت سردبیر

روزهای اردیبهشت جلالی روزهایی به شدت طرب انگیز و شادی بخش است، بزرگداشت سعدی استاد سخن در روزهای آغازین آن و در ادامه روزهای جناب فردوسی و جناب خیام در کنار زادروز قیصر امین پور شاعر خوب معاصر است. قیصر از معدود شاعران پس از انقلاب اسلامی است که توانست با همه جوانی زبان خاص خود را در شعر به دست آورد، نسل او همراه حسن حسینی، عبدالملکیان و... تلاش کردند تا موجی از خلاقیت و شکوفایی را در شعر و ادبیات پس از انقلاب اسلامی بوجود آورند اما در این میانه قیصر پدیده ای منحصر به فرد بود، او در فرم و تصویر، زبان خود را یافت و توانست آثار ارزشمندی به دفتر شعر فارسی اضافه کند که از او به یاد گار خواهد ماند. اما آنچه در این باره باید گفت تا به کار گلستانی ها و شهروندانش بیاید آن است که از همه این شور و وجد جاری در این ماه سهم شهروندان گلستان چه مقدار است. فقدان اطلاع رسانی و ناتوانی و یا بی برنامه‌گی دستگاههایی مانند سازمان فرهنگی و ورزشی شهرداری و اداره کل فرهنگ و ارشاد و یا سازمان های دیگر منجر به آن شده است که فضای عمومی شهرهای گلستان بهره ای از این شادکامی ها نداشته باشند. این روزها را می توان با کمی خوش سلیقگی در تابلوهای شهری و بین شهری گلستان به نمایش گذاشت. آیا خواسته زیادی است در روز بزرگداشت جناب سعدی و... در معابر و خیابانها چند تابلو به این بزرگان ادب فارسی اختصاص یابد، آیا انتظار زیادی است در بزرگداشت جناب فردوسی یا خیام کمی فضای شهر را با عطر کلام شاهنامه و یا خیام و... معطر کنیم. می پذیرید که دست یافتنی است و شدنی. انتظار از مدیران نو آمده شهر و استان آن است در خور نام گلستان و شهروندانش در اصلاح فضای عمومی شهرها بکشند.



تکمیل مرکز ترک اعتیاد گنبد کاووس
شتاب می گیرد
« ۸ »



کشاورزان گلستان به سمت کشت
کم آب بر بروند
« ۷ »



افتتاح نود و هفتمین دفتر
خدمات مسافری
« ۷ »

کتاب «شهرشناسی استارباد» معرفی شد:

پنجره‌های به گذشته پلی به آینده



قدمی نو در حراست از
فرهنگ گرگان

رحمت‌اله رجایی، پژوهشگر حوزه تاریخ و فرهنگ استان و رییس سرای فرهنگ و رسانه در ابتدای نشست به معرفی کتاب مذکور و مؤلف آن پرداخت و عنوان کرد: آقای رشتچیان دارای مدرک کارشناسی ارشد معماری از دانشگاه شهید بهشتی هستند. ایشان علاوه بر تدوین این کتاب، مقالات زیادی درباره گلستان نوشته‌اند. کتاب ایشان از این جهت که نگاهی معمارانه به شهر تاریخی گرگان دارد، اثری تازه است و ما را با هویت فرهنگی آن آشنا می‌سازد. منابعی که به فارسی و انگلیسی در انتهای

مهران موذنی- هفدهمین نشست فرهنگی سرای فرهنگ و رسانه با همکاری سازمان نظام مهندسی ساختمان گلستان و اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گلستان برگزار شد. در این نشست که با روز جهانی بناها و محوطه‌های تاریخی مصادف بود، کتاب «شهرشناسی استارباد» از پژوهشگر ارجمند، یعقوب رشتچیان در حضور جمعی از مسئولین مربوطه و علاقه‌مندان حوزه فرهنگ معرفی شد. در این اثر با بهره‌مندی از روش‌های مختلف پژوهشی، به طور کلی به پیشینه شهرسازی و معماری بومی استرآباد پرداخته شده است.

کتاب ایشان هست، نشان‌دهنده تحقیقات ایشان از منابع مختلف است. همچنین سره‌نویسی و اختصاص ۲ صفحه از کتاب به واژه‌نامه گامی در راستای حفظ زبان فارسی است. باید قدردان تمام کسانی بود که برای شناخت، حفظ و حراست از شهر تاریخی گرگان به صورت فردی و یا در قالب نهادهایی مستقل قدم برمی‌دارند.

نظام مهندسی ساختمان، حامی
فرهنگ استان

علی نصیبی، فرماندار گرگان ضمن تقدیر و تشکر از یعقوب رشتچیان برای تدوین کتاب شهرشناسی استارباد، به نقش پررنگ

ادامه در صفحه ۲

ادامه تیر اول



معرفی بافت تاریخی گلستان

فریدون فعالی، مدیرکل سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان ضمن تاکید بر اهمیت کتاب شهرشناسی استارباد، برای انتشار این قبیل آثار اعلام آمادگی کرد و گفت: امید می‌رود که این‌گونه فعالیت‌های فرهنگی ادامه‌دار باشد. ما نیز در سازمان میراث فرهنگی در کنار عزیزان خواهیم بود تا دستاوردهای مطلوبی را برای استانی که سراسر فرهنگ، تاریخ و تمدن است رقم بزنیم. سازمان میراث فرهنگی به تنهایی نمی‌تواند این بار را به سرمنزل مقصود برساند. از این رو، مشارکت دیگران در رساندن استان گلستان به جایگاه واقعی‌اش کارآمد خواهد بود. اگر گلستان به عنوان یک مقصد گردشگری شمرده نمی‌شود، از کم‌کاری ما بوده است. تدوین و چاپ چنین آثاری در معرفی بافت تاریخی استان تاثیرگذار است. سازمان میراث فرهنگی استان برای انتشار این قبیل آثار اعلام آمادگی می‌کند.

مقابله با اطلاعات نادرست

یعقوب رشتچیان، مؤلف شهرشناسی استارباد ضمن بیان مراحل تدوین و چاپ این اثر، مقابله با اطلاعات نادرست را انگیزه اصلی خود برای پدید آوردن آن معرفی کرد و اظهار داشت: جای دارد تشکر کنم از سازمان نظام مهندسی ساختمان استان که نقطه پایانی بر ماراتن چاپ این کتاب گذاشت. کل فرایند تدوین این اثر ۶ الی ۷ سال طول کشید. در حالی که فرایند چاپ آن بیش از ۷ سال زمان برد. در طی این مدت جواب‌های منفی زیادی شنیدم و حتی به مدت ۱ یا ۲ سال کار را رها کردم. تا اینکه در یک موقعیت استثنایی و غیرمنتظره سازمان نظام مهندسی چاپ این کتاب را بر عهده گرفت و سرانجام به نتیجه رسید. انگیزه اصلی من برای تدوین این اثر، برخورد با انبوه اطلاعات و اظهار نظرات نادرستی بود که درباره گذشته و میراث گرگان وجود داشت. این کتاب به نوعی یک مقابله با این اطلاعات نادرست است. من در جست‌وجوهایم برای یافتن منابع به یک پایان‌نامه درباره بافت تاریخی گرگان دست پیدا کردم. تهیه‌کننده این پایان‌نامه با اعمال تغییراتی آن را به یک پروژه تبدیل کرد. این پروژه به یک طرح بهسازی بافت قدیم گرگان تبدیل شد. در دوره بعدی این طرح به عنوان طرح بهسازی بافت فرسوده گرگان در قالب قراردادی دیگر مطرح شد. این ماجرا مرا بیش‌تر به انجام کارم ترغیب کرد و باعث شد اشتباهات و انحرافات کار را رفع کنم. این نکته را هم ذکر کنم که بنده بیش از ۴۰ سال سابقه کار در زمینه طرح‌های توسعه شهری دارم و برای بیش از ۱۵ شهر از این قبیل طرح‌ها طراحی کردم. تدوین این کتاب با تهیه چندین نقشه از بافت تاریخی گرگان شروع شد. من به فراخور تخصصم به جمع‌آوری این نقشه‌ها علاقه‌مند بودم. اما پیش‌تر هیچ‌کس به سراغ تهیه چنین نقشه‌هایی نرفته بود. تنها نقشه موجود از بافت قدیمی گرگان یک نقشه کروکی‌مانند بود که در یکی از کتاب‌های آقای اسداله معطوفی چاپ شده و شمایی از محدوده تاریخی گرگان را نشان می‌داد. کتاب شهرشناسی استارباد در ابتدا یک بخش بیش‌تر نداشت که مربوط به سوابق شهر استرآباد می‌شد. ۱۵ بخش ابتدایی کتاب به همین قسمت مربوط می‌شود. با پایان یافتن تدوین این بخش با خودم گفتم حیف است که کارم را به نتیجه نرسانم. این‌گونه شد که تدوین بخش دوم را با محوریت شناسایی بناهای تاریخی و ساختمان‌های قدیمی آغاز کردم. در این بخش به معماری بومی استرآباد نیز پرداخته می‌شود. امید می‌رود که در آینده در نشست دیگری با موضوع نقطه‌نظرات و انتقادات نسبت به کاستی‌های کتاب در خدمت حضار در این جلسه باشم.

افزوده است. از ویژگی‌های قابل توجه شهرشناسی استارباد تولید برخی نقشه‌های شهری برای اولین بار است که کم‌تر در تدوین یک کتاب شاهد آن هستیم. در حال حاضر در جایگاهی هستیم که اگر این کتاب را نقطه شروع فرض کنیم، می‌توانیم در مسیر مطالعات جناب رشتچیان به کار ادامه دهیم. متأسفانه تاکنون بسیاری از کتاب‌هایی که در این زمینه به چاپ رسیده‌اند به دلیل عدم رعایت ارجاع‌دهی درست و عدم شناخت از شیوه‌های پژوهشی، قابل اعتماد نیستند. اما تمام مطالب کتاب شهرشناسی استارباد قابل اعتماد هستند و امکان حرکت روبه‌جلو را برای ما فراهم است. من این اثر را در مجموعه کارهایی که در حوزه تدوین کتاب در استان گلستان انجام شده، از حیث تأثیرگذاری و اعتبار در ادامه آثار مرحوم مسیح ذبیحی، استاد ایرج افشار و دکتر منوچهر ستوده می‌دانم. سازمان نظام مهندسی با چاپ این کتاب نه تنها به آقای

شهر استارباد نمونه‌ای قابل توجه از شهرهای ایرانی است که

هویت تاریخی، ساختار کالبدی و تجربه زیست مردمش، لایه‌هایی هم‌افزا را

در شکل‌گیری شهر و مدنیت آن شکل داده‌اند

نقطه شروع

محمود اخوان مهدوی پژوهشگر حوزه تاریخ و فرهنگ استان دیگر سخنران این نشست بود که اهمیت اثر مذکور را زیر ذره‌بین برد. وی با قلمداد کردن این کتاب به عنوان نقطه شروع پژوهش‌های آینده عنوان کرد: من همکاری زیادی با آقای رشتچیان نداشتم و تمام زحمات بر دوش ایشان بود. کم‌ترین کاری که از دست من بر می‌آمد، ارائه برخی تصاویر بود که ایشان لطف داشتند و به این موضوع اشاره کردند. حوزه‌های مختلف پژوهش‌های میان‌رشته‌ای که معمولاً یک سر آن تاریخ است، اغلب توسط پژوهشگران تاریخ مورد توجه قرار می‌گیرند و جنبه تخصصی آن لحاظ نمی‌شود. تاریخ معماری نیز از همین دسته حوزه‌هاست. از طرفی، اگر کسانی که صرفاً متخصص معماری هستند نیز سراغ این حوزه بروند، به جنبه تاریخی آن توجه نمی‌کنند. در کتاب شهرشناسی استارباد هم از تخصص جناب رشتچیان در شهرسازی و معماری و هم از آشنایی ایشان با متدهای مختلف پژوهش در حوزه تاریخ، از جمله منبع‌شناسی و مرجع‌شناسی بهره برده شده است. تسلط ایشان به زبان فرانسه نیز سبب شده تا از برخی منابع به صورت دسته اول استفاده کنند. همچنین اشراف ایشان به حوزه‌های ویرایش، پارسی‌نویسی و شیوه‌های نوین درست‌نویسی نیز بر کیفیت این اثر

رشتچیان، بلکه به خودش و به کل گرگان لطف بزرگی انجام داد. همچنین جناب آقای مناجاتی قطعاً نقش خیلی مؤثری در این اتفاق داشتند. تمام کسانی که دانسته یا نادانسته نقشی در این کار داشتند، برای خودشان افتخارآفرینی کردند.

پنجره‌ای به گذشته، پلی به آینده

سیامک دربکی، مسئول انجمن صنفی مهندسان شهرساز استان به طور مفصل به اهمیت کتاب شهرشناسی استارباد در شناخت گذشته و برنامه‌ریزی برای آینده پرداخت. وی با اشاره به معضل از خود بیگانگی کالبدی و اجتماعی شهرهایی چون گرگان اظهار داشت: مطالعه این کتاب تجربه‌ای آموزنده و الهام‌بخش در این حوزه است. اثری که هم از نظر کیفیت نگارش، هم غنای منابع، تولید نقشه‌های فنی و بازسازی دقیق فضایی، اثری ارزشمند در حوزه شهرشناسی تاریخی استارباد به شمار می‌آید و باید اذعان داشت که این کتاب با دقت، تاریخ و ساختار فضایی استرآباد را از دل اسناد، خاطرات، و نقشه‌ها بیرون می‌کشد و پیش چشم ما می‌گذارد. از این رو، منبعی الهام‌بخش برای برنامه‌ریزان شهری است. شهر استارباد نمونه‌ای قابل توجه از شهرهای ایرانی است که هویت تاریخی، ساختار کالبدی و تجربه زیست مردمش، لایه‌هایی

هم‌افزا را در شکل‌گیری شهر و مدنیت آن شکل داده‌اند و این کتاب به روشنی ساختاری که عمدتاً در شهرهای ایرانی مشترک‌اند را به ما نشان می‌دهد: محله و گذرها، ارگ حکومتی، بازار، عناصر دفاعی (دروازه‌ها و باروها)، فضاهای آیینی (مراکز محله و تکایا و مساجد کوچک و بزرگ) و فضاهای آموزشی (مدرسه و مکتب) و خدماتی و زیرساختی (کاروان‌سرا، حمام و آب‌انبار) که هر کدام بخشی از هویت شهر را شکل داده‌اند. مطالعه این ساختارها برای برنامه‌ریزان شهری، صرفاً تمرینی در گذشته‌نگری نیست. بلکه پلی‌ست برای اندیشیدن به آینده شهر. چرا که اگر ندانیم استارباد چه وقت شکل گرفته است، و چطور در بستر تاریخ رشد و بقا داشته است، چگونه می‌توانیم برای آینده آن نسخه بپیچیم؟ چگونه می‌توانیم درباره توسعه پایدار آن سخن بگوییم؟ از دل نقشه‌های این کتاب، می‌توان بافت تاریخی گرگان را بازیافت و می‌توان با شناخت و تحلیل فضاهای جمعی، مرز محلات، مسیرها و ظرفیت‌های بازآفرینی شهری را شناسایی کرد و مبتنی بر دانش میان‌رشته‌ای و با مشارکت مردم، طرح‌هایی برای تجدید حیات این پهنه را به آزمون گذاشت. این نقشه‌ها، تنها یک سند جغرافیایی نیستند، بلکه پنجره‌هایی به گذشته‌اند. تحلیل نحوه تعامل بافت مسکونی با عناصر طبیعی مانند رودخانه یا شیوه طراحی دفاعی معابر، نشان‌دهنده هوشمندی در طراحی شهری دوران گذشته این شهر است. در دوران کنونی که بسیاری از شهرهای ما از جمله گرگان با نوعی بی‌هویتی و از خودبیگانگی کالبدی و اجتماعی روبرو هستند، چنین آثاری می‌تواند به ما یادآوری کنند که شهر فقط مجموعه‌ای از خیابان‌ها و ساختمان‌ها نیست، بلکه موجودی زنده است که ارتباط عمیقی با فرهنگ یک جامعه دارد و هویت آن محصول تعامل پیوسته انسان، طبیعت و تاریخ است. برای مثال، ساختار محلات قدیم استارباد مبتنی بر پیاده‌مداری و اجتماعات محلی می‌تواند الگویی برای گرگان امروزی باشد و باید بافتی را که امروز مهجور مانده دوباره به جریان حیات شهری (نه صرفاً مرمت با نگاه موزه‌ای) بازگرداند و در برنامه‌ریزی شهری فضاهایی همچون کاروان‌سراها، حمام‌های متروکه یا مدارس تاریخی را با کاربری‌های نو اما اصیل زنده کرد. تأکید دارم که این کتاب فقط درباره گذشته استرآباد نیست، بلکه تلنگری محکم برای بازاندیشی حال و آینده گرگان است. آینده‌ای که اگر قرار است پایدار و معنادار باشد، ناگزیر باید با شناخت گذشته و گفت‌وگو با تاریخ آغاز شود و به تلفیق هوشمندانه آن با فناوری‌های نوین می‌انجامد.

الگویی برای تمام شهرها

دانیال قاسمی نایب‌رئیس دوم و رئیس اسبق سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تلاش‌های یعقوب رشتچیان برای تالیف کتاب شهرشناسی استارباد را الگویی برای تمامی شهرهای کشور تلقی کرد و گفت: زنجیره‌ای از هیئت مدیره سازمان، مهندسین و افرادی که خواسته یا ناخواسته در این مسیر قرار گرفتند شکل گرفت تا کتاب شهرشناسی استارباد به چاپ برسد. در مراسمی خانم دکتر عمادالدین درباره تدوین این اثر به من اطلاع دادند. این‌گونه شد که از ایشان خواستم این موضوع را با کارگروه شهرسازی سازمان که بهترین داور هستند، در میان بگذارند. من چاپ این اثر را به کل ایران تبریک می‌گویم، چرا که می‌تواند الگویی برای تمام شهرهای ایران باشد. امید می‌رود که در قبال فرهنگ منفعل و بی‌تفاوت نباشیم و این نگاه را به نسل‌های پس از خودمان نیز منتقل کنیم.

حامد شریفی نمایشگاه نقاشی جان رقصان

@hamedsharifi_paint



گالری ندا - بین عدالت ۴۹ و ۵۱ ساختمان گلستان طبقه همکف واحد ۱
دوشنبه ۲۵ تا پنج شنبه ۲۸ فروردین ساعت ۸ تا ۶

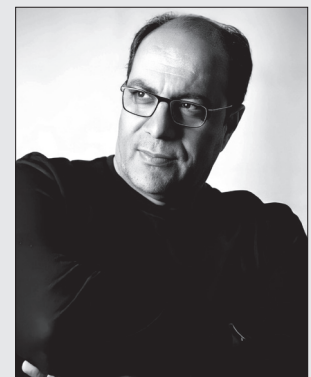
www.nedaartgallery.ir
info@nedaartgallery.ir
@neda_artgallery1399



دید و پیوند آن با کنش مغزی احساس و عاطفه، باعث می‌شود که هنرمند به ژرفای دیگری برسد که همان تکامل دید بیرونی و دید درونی است. با آنکه طبیعت پیرامونی هنرمند اجازه هرگونه اسراف را به او می‌دهد اما وی در جایگاه خود بسیار صرفه‌جویانه با این منبع بی‌انتها برخورد می‌کند. در آثار شریفی می‌توان یک گفتگوی روایتگرانه را به نظاره نشست. او دایره را به عنوان شکلی بنیانی در نظر می‌گیرد که جوهر همه چیز از جمله کیهان و کائنات است. با نگاه به آثار او به راحتی می‌شود دریافت که شریفی در قلمرو هنر ضمن رعایت قوانین و معیارها، به دنبال آفرینش حرکت و ایجاد تغییرات و انحرافات مطابق اصول و قواعد است. حرکات در آثار او، کنش‌هایی جاری هستند که با تاکید بر بعضی از عناصر، انحراف‌های حاصل را جذاب می‌کنند. دیدار با تجسم جنبه‌های روانشناختی شریفی، ما را به کوچه‌های دلگشای عرفان اشرافی می‌برد. او با سیر و سلوکی عارفانه - بر خلاف سکوت و آرامش ظاهری - دارای هیجان و زایشی شگفت‌انگیز است. او اصلاً نمی‌خواهد عناصر طبیعی یا رویاهای خود را آنگونه که معیار است به طرح و رنگ بکشد. بلکه او می‌خواهد تا بدانگونه که آنها می‌توانند باشند را بنمایاند. در مواجهه با آثار او متوجه روایتگری او می‌شویم. به هر حال او در دانشگاه نقاشی خوانده و پس از آن به عنوان کارشناس ارشد انیمیشن سازی، ذهنش را برای رویا پردازی و تخیل تربیت کرده است و هیچ مقاومتی در برابر جاذبه‌های طبیعی ندارد. در مرتبه نخست و بیرونی، پیدا و پنهانی خاص در آثار او موج می‌زند. اما پس از کمی کنکاش در آثار او در می‌یابیم که رمزگان و اسطوره‌ها، زیر سایه‌ای غیر مشهود نفس می‌کشند و زندگی می‌کنند. گره‌گشایی از رمزگان موجود در آثار روایتگرانه او، لذت دیدار طرح و رنگ‌ها را دو صد چندان می‌کند. او در بیشتر آثارش، نامیرایی شعر را به تجسم می‌کشد. میانه‌ی شعرخوانی از دیوان بزرگان، در می‌یابم که در بین سطرهایی که نوشته می‌شوند، سطرهای هستند که نوشته نمی‌شوند، اما خوانده می‌شوند. شریفی در نمایشگاه خود هوشمندانه به مخاطب، آینه‌ای می‌دهد تا دریابد که جوامع بدون تولید و حرکت، آزادی را به عنوان بندی نهان در خود اسیر کرده‌اند. او در این میان اصرار دارد که فقط هنرمندان می‌توانند آزادانه، آزادی را در درون خود جستجو کنند، پیدا کنند و به آرامش برسند. آثار شریفی برای مخاطب، در نقش پاندول نفی خویشتن و جستجوی راهی - آن هم با نگاه به عناصر طبیعی - در نوسان دائم است. او به دنبال یک مکالمه پنهان و رساندن آن به تراکم هیجان آلود در حوالی احساس زیستن است. شریفی به مخاطب یادآور می‌شود که یافتن ذات طبیعت هر فردی، در پهن دشت سرگشتگی‌های فرهنگی امروز، سخت است، اما شدنی است. تصویرگری‌های شریفی حکایت از دل‌سپردگی‌های او به متون عرفانی و دیوان شاعران بزرگ این مرز بوم است. او را در حدود ۴

یادداشتی برای نمایشگاه نقاشی جان رقصان آثاری

از دوست هنرمندم حامد شریفی



حسین ضمیری

به تماشاگاه زلفش دل حافظ روزی شد که باز آید و جاوید گرفتار بماند
هنرمند همواره سعی بر آن دارد که با استفاده از ابزار و تکنیک، هر آنچه را که از منظر چشم پنهان است را پیدا و نمایان بسازد. هر موضوعی به خاطر دانایی هنرمند از درون آن، بیشتر از آن چیزی که به ظاهر دیده می‌شود جلوه‌گری می‌کند. این کاوش در درون تماشاگاه هنرمند با ساخت اثر یا کنش مواد به تجسم می‌رسد. یک نقاش هیچ وقت در پی عکاس شدن نیست. عکاس، جلوه‌ای از یک سطح را به نمایش می‌گذارد، اما یک نقاش کوشش می‌کند تا به درون ماهیت موجودات یا تصاویر خیالی خود ورود کند و آنها را به نمایش بگذارد. در واقع نقاش در پایان خلق هر اثری، یک موضوع واقعی را به صورت حقیقی تر به قاب می‌کشد. کنش ساده‌ی

تجربه اندوزی اوست. شریفی سبک خودش را دارد. او هنرمندی پرسشگر و لبریز کنکاش است. شریفی نتیجه ادراکات حسی و عاطفی خود را به رخنمونی هنری تبدیل کرده و مخاطب را در این لذت - البته پس از رمزگشایی - شریک می‌کند. تفاوت نوع قلم‌گذاری بر روی بوم‌ها، مصور کردن اشعار، روایت سازی یک غزل یا یک شعر ذهنی هوشمند، بیانی جسورانه و زبانی خاص می‌طلبد که همه و همه در این نمایشگاه موجود بود. باری دیگر از هنرمند خوب و منطقه، جناب حامد شریفی سپاسگزارم که آثار و تاملات فردی خودش را در قالب قاب‌های نقاشی به نمایش گذاشت. از مدیریت گالری ندا - خانم میرقاسمی - نیز بابت همکاری و همراهی ویژه که باعث شده تا هنرهای تجسمی در این شهر، با همکاری هنرمندان حرفه‌ای مکانی برای ارائه داشته باشند قدردان شما عزیزان هستیم.

دهه است که می‌شناسم. فردی جان آگاه و آشنا با ساحت شعر - که گاهی خود نیز دست به قلم شده و شعری می‌سراید - او دوست دارد تا به کنه و پس پشت سروده‌ها برسد، مکاشفه کند و به سبک و سیاق خودش آنها را روایت کند. شریفی هنرمند باتجربه و حرفه‌ای ست که در دیدار با آثارش میتوان دریافت که رمزگزارای‌های منحصر به فرد خودش را دارد. او نیاز دارد تا با بهره‌برداری از مفاهیم اولیه‌ای چون انسان، پرنده، ماهی، خورشید، ابر و ... حرف هایش را به خوبی انتقال بدهد. روایت‌های او گاهی به نقاشی میرسد اما در بیشتر آثار حکایت از تصویرسازی رئال و سورئال دارد. آثار ایزکتیو و سوپزکتیو وی، به مخاطب کمک می‌کند تا جور دیگر ببیند و جوری دیگر درگیر عواطف خودش بشود. در مواجهه با شریفی و آثارش، حس تعلیق خوبی موج می‌زند. استفاده صحیح و قدرتمندانه از رنگ‌ها و طراحی‌های روایت، نشانه‌ای از پرکار بودن و

دستفروشان ساماندهی می‌شوند

سیاری معاون حقوق عامه و پیشگیری از وقوع جرم دادسرای مرکز استان، مقسم مدیر پارک‌های جنگلی منابع طبیعی استان و یحیی ستوده‌نیا مدیریت پارک‌های جنگلی النکدره و ناهارخوران بازدیدی از محور ناهارخوران جهت بررسی و تصمیم‌گیری در خصوص ساماندهی دستفروشان سیار این محور انجام شد. صفری بیان کرد: معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادسرای مرکز استان با اشاره به وجود بی‌ضابطه دستفروشان و ایجاد سد معبر نمودن مسیرهای تردد موجب نارضایتی مردم و مراجعه کنندگان به محور ناهارخوران شده است، گفت: طبق دستورات قسمتی از اراضی این منطقه جهت ساماندهی در اختیار آنها قرار گیرد و با سپردن این دو مرکز به آنها تعداد ۲۰ خانوار از این قاعده بهره‌مند و موجبات رضایتمندی خانواده‌ها و مردم را فراهم می‌گردد.



معاون محیط زیست و خدمات شهری شهرداری گرگان از ساماندهی دستفروشان در مسیر گردشگری ناهارخوران خبر داد. به گزارش روابط عمومی، موسی‌الرضا صفری اظهار کرد: با توجه به حضور دستفروشان در فصول مختلف در مسیر گردشگری ناهارخوران و با توجه به این موضوع که اکثر این افراد مواد غذایی به شهروندان و مسافران ارائه می‌کنند و متعاقباً وجود دغدغه‌ی بهداشتی از یکسو فعالیت این افراد در معبر اصلی از سوی دیگر موجب مشکلات ترافیکی شده است. صفری ادامه داد: شهرداری گرگان در چارچوب عمل به وظایف قانونی و پاسخگویی به مطالبات شهروندان به استناد تبصره ۱ بند ۲ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها ساماندهی دستفروشان این مسیر را در دستور کاری خود قرار داده است. وی ادامه داد: در این راستا با حضور مهدی

سعدی بنو سیم (بخوانیم سابق)



آزاده حسینی

ستون سعدی بخوانیم از قبل در این صفحه بوده، اما به گفته سعدی: «حکایت همچنان باقی!»؛ و ما نیز چنان مشتاق سعدی جان هستیم که نه تنها یکم اردیبهشت بزرگداشت سعدی است، بلکه تمام

اردیبهشت انگار باید سعدی خواند و شنید و در تمام گلستان سعدی نسیم اردیبهشت می وزد و در غزل هایش، ذوق آدمی با عشق می جوشد و ابر می شود و به آسمان می رود و می بارد و «به صد دفتر نباید گفت حسب الحال مشتاقی!»

پیشنهاد

یکم اردیبهشت روز آغاز نگارش کتاب گلستان سعدی بوده و به همین دلیل روز بزرگداشت سعدی نام گذاری شده است. از طرفی اولین روز آبان، به یاد ابوالفضل بیهقی، تاریخ نگار بزرگ ایرانی، با عنوان روز ملی نثر پارسی به ثبت رسیده است. پیشنهاد می کنیم کودکان، نوجوانان و خانواده گلشن مهری از اول اردیبهشت تا اول آبان رونویسی متن هایی از گلستان سعدی و تاریخ بیهقی انجام دهیم تا مانند همیشه بوستان اندیشه خود را با طراوت ادبیات و تاریخ، سرسبزتر نگاه داریم.

یادداشت دبیر صفحه گردش کتاب



بازدید از کتابخانه های عمومی استان

سال گذشته به کتابخانه عمومی گنبد رفتیم و فروردین امسال دومین سفر «گردش کتاب» به انجام رسید. پنجشنبه بیست و هشتم فروردین با تعدادی

از کودکان، نوجوانان و خانواده های گلشن مهری به کتابخانه بندرتکرمن، گلستان و موزه مردم شناسی گلستان رفتیم. سپس از همکاری آقای رضایی در اداره کتابخانه استان برای هماهنگی دیدارها.

شرکت کنندگان دیدار:

محدثه عرب، سیده فاطیما عقیلی، بهار جام خورشید، نگار جام خورشید، ملکه مازندرانی، آوینا کیانی، بهنیا کیانی، وینا روح افزایی، آرنیکا روح افزایی، فاطمه سادات سیدالنگی، سید زهرا سیدالنگی، حلما رسولی، اله طیب، سامینا سلطانی، سمیرا کمالی، با همراهی آزاده حسینی



کتابخانه «امام محمد غزالی» کمیشان

کمی پیش از ورود به کمیشان، از مسئول کتابخانه خانم توماج پیام آمد که کسالت دارند و به جای ایشان آقای رسولی تشریف داشتند. به عقیده آقای رسولی چون همه کتابخانه ها شبیه هم هستند، نیازی به معرفی و خوشامدگویی نیست؛ ما هم به گردش میان کتاب ها پرداختیم و از فضای راز آلود در جهان کتاب ها بهره بردیم.



کتابخانه «سعدی» بندرتکرمن

با هماهنگی خانم کلت، دیداری با آقای عبدالرحمان اونیق، نویسنده کودک و نوجوان، فراهم شد. با بچه ها از نویسندگی، شعر و داستان گفتیم؛ حکایت های کتاب گلستان سعدی خواندیم و شنیدیم. آقای اونیق هم با خوشرویی و طنز شاعرانه اش خاطره ای دلنشین به یادگار گذاشت. سپس ویژه از پذیرایی و مهمان نوازی دوست گرامی خانم حلیمه کلت مفرد که با سخنان شیوا ما را به مهمانی کتاب و کلمه بردند، و همکار گرامی زهره سقایی.

از کتاب درسی مطالعات ششم تا موزه مردم شناسی کمیشان

بچه های نویسنده گلشن مهر با دیدن در باز محوطه موزه مردم شناسی به وجد آمده بودند. حیاطی زیبا، بنایی با نمای چوبی و پله هایی از دو طرف که به سمت بالا می رفت. متأسفانه کارشناس موزه به مرخصی رفته بود و فقط نگهبان حضور داشت. فرش های دستباف تر کمن زیر پاهایمان، گویی روی تاریخ هنر ایران راه می روی. مجسمه هایی با لباس تر کمن؛ که هر کدام فرهنگ و زندگی روزمره تر کمن را به نمایش می گذاشت. کاش واحد درسی مربوط به مردم شناسی و مطالعات اجتماعی، در بازدید از موزه ها بود. با سپاس از خانم توماج در هماهنگی بازدید موزه.

خواهیم بود. ما دست و لبخندی سرشار از مهر به سوی شما می آوریم و مشتاق دیداریم تا خواسته های ما را بشنوید.

ضمن سپاس از همراهی صمیمانه همکاران کتابخانه استان. ما بچه های گلشن مهری اکنون سال هاست که شعر و داستانمان را در صفحه چهارشنبه های روزنامه می نویسیم. بی گمان روزی نویسنده یکی از کتاب های کتابخانه ایران

سخنی با مدیرکل کتابخانه های گلستان

درد مدیرکل گرامی!
دعوت به دیدار



چه گذشت بر ما؟!



سیده‌فاطمه‌اعقیلی

همانطور که باد با شدت می وزید، آراسته وارد سفر خاطره انگیزمان شدیم! تازه یخمان در آن سرما داشت باز می شد که به کتابخانه بندرترکمن رسیدیم! شاید برایتان عجیب باشد اما شاعران بزرگی از جمله سعدی در آنجا حضور داشتند. البته فقط تندیس سر آنها، از بحث جنایی سر شاعران که بگذریم. پپچک هایی که با نقش و نگارهای ورودی کتابخانه هماهنگ شده بودند، برایم نمادی از تکامل و تحول معنوی را بیان می کردند. خلاصه بوی کتاب نو کنار نم باران را حتما کنار شیطنت های کودکانه به شما پیشنهاد می کنم. اما بهترین بخش، دیدار با جناب آقای اوتق بود که این نشان سعادت ماست که در چنین سن نسبتا کمی تجاربی بزرگ و شگفت انگیزی داریم! خلاصه، به سختی از کتابخانه بندرترکمن دل کندیدم و به کتابخانه عمومی کمیشان درود عرض کردیم، فضایی پر از گل و پرندگان زیبا از جمله هدهد که پیام آور بهار برای آنجا بود. کتابخانه ای با محیطی وسیع تر که مرا جذب کتاب بینوایان قشورش کرد! زندگینامه آقای میریل تاس... اما پس از درنگ کوتاهی با موزه ای سنتی مواجه شدیم! جایی که برایم نمایان کننده اصالت و فرهنگ ایرانی بود! مردمان ترکمنی که لباس های محلی داشتند و در حال صید و بافندگی فرش بودند! این فضا نمایی بود از نگهداری میراث گذشتگان برای آیندگان! در آخر هم با شادی و شور به خانه رسیدیم. حسایی از استاد عزیزمان تشکر می کنم بابت فراهم نهادن چنین موقعیت هایی جذاب و خاطره انگیز!

همیشه پیش هم



فاطمه‌سادات‌سیدالنگی

صبح ساعت هفت و پانزده دقیقه بیدار شدیم و شروع کردیم به آماده شدن. خیلی برای این اردوی نصف روزه ذوق داشتیم. ساعت هفت و پنجاه و پنج دقیقه شد، ساعت هشت سوار مینی بوس شدیم و حرکت کردیم. میخواستیم به شهرهای اطرافمان برویم: گمیشان و بندرترکمن. با دوستانم روی صندلی نشستیم و با هم بازی کردیم، تا به بندرترکمن رسیدیم. وقتی به آنجا رسیدیم، دوییدیم به داخل کتابخانه وارد شدیم. فضای کتابخانه مرا جلب خود کرد و انگار با کتاب ها سال های سال دوست بودم. چند تا از آنجا عکس گرفتیم و بازی کردیم بعد لای یک کتاب را باز کردم انگار برای خودم ساخته شده بود شروع به خواندن آن کتاب کردم که بعد از چند دقیقه دیگر باید میرفتیم. به سرعت کتاب را تمام کردم و وارد مینی بوس شدیم. آنجا دوباره با دوستانم بازی کردیم که دیدم یک دفعه بادی تند به آنجا می وزد و برف های خیلی قشنگ زیبا و ریز به پایین میریزند. به گمیشان رفتیم وارد آن کتاب خانه ی رویایی شدیم. خیلی بزرگ بود. بعد از نیم ساعت یک عکس یادگاری از آنجا گرفتیم بعد از عکس بادی خیلی تندی به سوی ما وزید سریع وارد مینی بوس شدیم و به سمت موزه رفتیم. موزه خیلی زیبا بود و من با همه ی آدمک های آنجا عکس گرفتیم در آخر هم مثل همیشه با خاطرات خیلی دل انگیز به خانه برگشتیم.

سفر به گمیشان



آرنیکا رauh افزانی

باد تندی می وزید، از اونجایی که دوستای خیلی پایه و باحالی دارم شروع خوبی داشتیم. قبل از اینکه مینی بوس برسه یه سری به کتابخانه نوجوانان زدیم، تا فهمیمند شاگرد خاتم حسینی هستیم، شاهنامه و کتاب دلدند دستمون تا فیلم و عکس بگیرند. توی مینی بوس همه ساکت بودند جز آخری ها که ما باشیم. بعد از کلی مسخره بازی رسیدیم به کتابخانه بندرترکمن. اونجا با یک نویسنده بزرگ هم آشنا شدیم. در حالی که شکم های گرسنه ما داد و فریاد سر داله بودند، سوار مینی بوس شدیم و غذاهای خوشمزه مونو میل کردیم. تا مقصد فقط حرف زدیم و خندیدیم و از کتابخانه گمیشان هم بازدید کردیم. موزه با همه قشنگی هایش برای من و دوستم یکم ترسناک بود شاید به خاطر مجسمه ها و فضای تنگش در راه برگشت با آهنگهای شاد محلی ماشین را ترکلدیم. من عاشق اردوهای خاتم حسینی هستم. خویه که چنین سفرهایی میذاره و برای چند ساعت ما رو شاد می کنه دوست دلتشم اون روز تموم نمیشد. جزو بهترین خاطره های من شد.

سفر به دیار ترکمن



حلمارسولی

توی این هوای بهاری، یه روزش بارونی یه روز آفتابی و حتی برفی، یه سفر جالب با دوستانم اونم به شهر بندر ترکمن حسایی می چسبید. قرار شد ساعت هشت صبح همه دم تالار ارشاد جمع بشیم. من و مامانم زود حرکت کردیم. رسیدیم دیدم بجز ویناا و مامانش کسی نیومد. گفتم حتما کنسل شده و ما خبر نداریم. کم کم دوستان از راه رسیدند. باد می وزید و خاک به همراه داشت و تو چشم مامانم رفت. خاتم حسینی عزیزم با مینی بوس آبی رنگ خوشگل اومد. راننده هم خوش اخلاق بود. سوار شدیم و سفرومون آغاز شد. رسیدیم به کتابخانه بندرترکمن. یه کتابخانه وسط شهر، چند تا تندیس از شاعران کشورمون بیرون کتابخانه بود مثل سعدی، حافظ، مختوم قلی فراغی، از پله ها که داشتم میرفتم بالا گل پپچک که دو طرف فضا رو پر کرده بود نظرمو جلب کرد. وارد کتابخانه شدیم مسئولش با لیخند به استقبالمون اومد. در مورد کتابخانه برامون توضیح داد. یه دوری تو کتابخانه زدیم با دوستانم در مورد کتابها گفتگو کردیم و عکس یادگاری گرفتیم. مسئول کتابخانه گفت که یه مهمون دارن. آقای اوتق که نویسنده هستند. در حین پذیرایی ایشون وارد شدند. بیت «سلامی چو بوی خوش آشنایی/ بدان مردم دیده را روشنایی» آغاز صحبتمان با آقای اوتق شد. برایشون حکایت سعدی خواندیم و ایشون برامون کالی صحبت کردند. کم کم وقت رفتن به کتابخانه گمیشان رسید. باورتون میشه داشت تو اون هوایی که هم آفتاب بود و هم بارون برفای ریزی میبارید. لذت سفر رو دوچندان کرده بود. رسیدیم به کتابخانه گمیشان اولین چیزی که تو حیاطش دیدم هلدده بود. وارد کتابخانه که شدیم و مشغول تماشای کتابها، مامانم کتابی رو دید با عنوان دختری با «هغن قادرتمنا» و گفت این خوبه و بخون، همونجا کتاب رو برام تا آخر خوند. بعد از کتابخانه گردی که خیلی با حال بود، به سمت موزه حرکت کردیم. وی چه ساختمان قدیمی قشنگی و چه نرده های زیبایی داشت. این خونه در قدیم برای کلدخا بود که شهرداری ازشون خرید و تبدیل کرد به موزه وارد که شدیم کلی مجسمه بود با لباس های محلی و سنتی ترکمن، کالاهای پشمی آقاییون و روسری ها و زیورآلات که دختر خاتم ها در عروسی ها استفاده میکردند. هر مجسمه مشغول به کاری،

یکی گندم آرد میکرد با آسیاب دستی، یکی چکدرمه درست میکرد تو قازن، قالی میبافتند، ساز میزدند، حصیر میبافتند، ورقص جاقو داشتند. چقد زیبا همه ی این سنتها را به تصویر در آورده بودند و همچنین نقش زنان در کنار مردان. توضیحاتم تموم شد. ببینیم آخر ماجرا چی میشه. سوار مینی بوس شدیم، بارون شدید. میباریدن چون حوصله مون سر رفته بود شروع کردیم به خوندن و آقای راننده خوش ذوق هم برامون آهنگ گذاشت. ما هم همراهی کردیم و حسایی لذت بردیم. رسیدیم به کردکوی و سفرومون به پایان رسید.

خوش گذشت: دوره‌می خودمانی



ویناا رauh افزانی

توی روز بارونی فقط آدم باید یک رمان بخونه. روز پنجشنبه یک برنامه اردو چیدیم که بریم کتابخانه وارد کتابخانه که شدیم کتاب های زیبای دیدم ترسناک، معمایی، درسی-هیجانی و... اولین کتابی که نظرم را جلب کرد کتاب «سوار بر فیل بود» یک فصل اول کتاب رو خوندم کتاب جالبی بود دوست داشتم تا آخر بخونمش البته تا وقتی که کتاب معروف هری پاتر رو ببینم. بالاخره از کتاب خونه اومدیم و گفتیم بریم یک سر به موزه گمیشان هم بزنیم. از اونجایی که من همیشه از در آوردن کفش بدم میاد آخر از همه رفتم داخل پشتم چند تا آدم احساس کردم، برگشتم و پشتم رو دیدم چقدر نا محسوسه آدم های بومی گمیشان رو به شکل مجسمه درست کردند. خیلی جلوی خودم رو گرفتم که داد نکشم. بالاخره یک ذره شیطونی کردیم و عکس گرفتیم. از موزه اومدیم بارون خیلی قشنگی میومد! زیر بارون تا مینی بوس اتقدر آروم راه رفتم که خیس بشم. بالاخره هرچی بود خیلی خوش گذشت.



بهار جام خورشید

هوا همچنان سرد بود اما باز ما تسلیم نشدیم و به اردوی دوستانه ادامه دادیم. تازه جایمان گرم شده بود که به کتابخانه رسیدیم. استادمان خاتوم حسینی گفت بچه ها پیاده شوید و به کتابخانه بروید و ما حرف خاتم حسینی جان را گوش کردیم و پیاده شدیم و با نظم وارد شدیم قبل از اینکه وارد کتابخانه شونم دیدم که مجسمه جناب سعدی و چند شاعر دیگر آنجا بود. کتابخانه کوچک بود اما کتابهای زیادی در خود داشت. از کتاب کودکانه بگیر تا کتاب جغرافیایی و قعا جای قشنگی بود. ما کتاب انتخاب کردیم و خواندیم بعد با یک نویسنده آشنا شدیم و برایش حکایت سعدی خواندیم با خدلحافظی از آن از آنجا خارج شدیم. قبل از اینکه سوار مینی بوس شویم با جناب سعدی عکس انلخاتیم و بعد واره مینی بوس شدیم و بعد به گمیشان رفتیم راستی آنجا بندرترکمن بود. در مینی بوس کمی شیطونی کردم تا به گمیشان رسیدیم. در ماشین گرم بود اما بیرون همچنان باران می آمد. خلاصه وقتی وارد حیاط کتابخانه شدیم پر از گلهای رنگارنگ و درخت های سرسبز سرو و گنجشک های زیبا و بلبل های خوش خوان و دارکوب های پر سر و صدا و چاله های پر آب! خلاصه حیاط زیبا و دلنشینی داشت من که عاشق حیاطش شدم. وقتی که وارد سالن کتابخانه شدیم معلوم بود جلی بزرگی است، ما آنجا هم کتاب خواندیم و حرف زدیم و قتی از کتابخانه خارج شدیم وارد مینی بوس شدیم و به موزه ی مردم شناسی رفتیم. آنجا هم جلی با صفایی بود. من از منظره اش لذت بردم و آنجا آدم های مصنوعی درست کردند و هرکی در حال انجام کاری بود. من که خیلی خوشم آمد. خلاصه بعد از آنجا به خله برگشتیم و من هیچ وقت این خاطره زیبا را از یادم نخواهم برد.

بادهای سرد ولی دلنشین



سه‌میناسلطنی

چند روز قبل در گروه، استاد عزیز اعلام کرد که روز پنج شنبه به اردوی تفریحی می‌رویم. شب قبل از اردو بادهای بهاری شروع به وزیدن کرد ولی سفرمان کنسل نشد. با هزار ذوق خوابیدم تا صبح شود. ساعت هشت زمان حرکت بود هر طوری بود سراسعت خودم را به محل قرار رساندم. خیلی برایم جالب بود چون تا به امروز چنین اردویی نرفته بودم. بالاخره حرکت کردیم. بعد از یک ربع به بندرترکمن رسیدیم. صحنه ی خیلی جالبی دیدم مجسمه یکی از شاعران قدیمی ترکمن به نام مخدومقلی و شاعر بزرگ کشورمان سعدی را در ورودی اول کتابخانه گذاشته بودند. به داخل کتابخانه رفتیم. مسئول آنجا با لباس زیبایی به پیشواز ما آمد و به ما خوشامد گفت. کتابهای زیادی وجود داشت باتمام ذوق نگاه کردم. ناگهان با آمدن شاعر معاصر ترکمن آقای اوتق ذوقم چندین برابر شد. چند نفری از ما برایش حکایت سعدی خواندیم و بعد از گرفتن چند تا عکس از آنجا خارج شدیم. به سمت گمیشان رفتیم زمان بیشتری در ماشین بودیم، تا رسیدیم. بادها شدیدتر شده بودند کم و بیش قطره های باران نیز به ما برخورد میکرد. وارد کتابخانه ی بزرگتری شدیم البته نسبت به کتابخانه ی بندر ترکمن، زمان بیشتری در آنجا بودیم. کتاب های بیشتری را نگاه کردیم. با دوستانم کلی عکسهای زیبا و دلنشین گرفتیم. با اینهمه صمیمیت و زیبایی، سرمای هوای بیرون یادمان رفته بود. از آنجا راهی موزه شدیم، این موزه آثار مردمان ترکمن را در حال قالیبافی، زرگری، جاجیم بافی و غیره به ما نشان می دهد. از همه ی آنها عکس گرفتیم و با سرعت خیلی زیاد از آنجا هم بیرون آمدیم. مقصد بعدی خانه بود. ولی من این روز به یادماندنی را هیچ وقت فراموش نمیکم و اینگونه بود که خیلی خیلی خوش گذشت.



فاطمه زهرا ترابی

تنها قلم را می چرخانم این واژه های سر راست بوی لطافت ندارد/ کلمات در انبار خاک خورده ذهن بی استفاده می ماند گاهی، بی استیایی بی جان بی دفاع! آنچه به من به کلماتم به محتوی مغزم و حتی به انگشتانم شوق می دهد / ایران است. از ایران می نویسم و حالا خالق اثری خارق العاده ام که روح دارد و جسمی برای دفاع. ایران را در قلبتان بگذارید اگر روح ندارد! در روزی بیندازید اگر آب ندارد! در گلستانی بیندازید اگر گل ندارد! در چشم ها بیندازید اگر نور ندارد! و در عشق بیابانزاید اگر شور ندارد.

برای او



سیده زهرا علوی زیاد

دل‌تنگ و بی قرارم اما تو بی خیالی جان از من گرفتی و حال نمانده حالی خیالت بیرون نمی رود از سرم کجا به تو باز خواهد خورد گندم بیا و نگاه کن به این چشم های غمگین بیا و دلپیش رادرون چشماتم ببین دلپیش تویی محبوبم برایت دل‌تنگم باحساساتم دائم درحال جنگم بری من می شوی سرانجام؟ آشوب قلبم را می کنی آرام؟ بیا محبوب نل‌دار دلم دگر طاق‌ت دوست نل‌دارم بماند در دلم داغ‌ت بیا محبوب زیبا بیا بشو برام بیا که جز تو من هیچ نمی یابم.

تمرین نویسندگی با حرف «د»



سحر حسن زاده نوری

با صدای مادرم من و برادرم محمد از خواب بیدار شدیم. چشماتم به ساعت دیواری افتاد که دیدم ساعت ده صبح است. به مادر و پدرم سلام و صبح بخیر گفتم، اما محمد از همان موقع که چشمانش را باز کرد یه بند شروع کرد به غر زدن! منم گفتم: «بلند شو داداشی! یسه جقدر میخوایی مامان زحمت کشیده صبحانه رو آماده کرد». بالاخره جفتمون بلند شدیم و دست و صورتمون رو شستیم و نشستیم سر سفره مشغول حرف زدن بودیم که پدرم گفت: «شما دو تا نبودین که هی میگفتید بریم مسافرت؟! حالا هم بجای اینکه بخوایید برید لب دریا و خوش بگذرونید!» البته حرف حق جواب ندار! من و داداشم زدیم زیر خنده و من گفتم: «چشم صبحانه رو که خوردیم میریم!». بعد داشتم به مامان گفتم: «مامانی ناهار سالاد الویه درست کن!» بعد قدیم زدن کنار دریا سالاد الویه خیلی میچسبه». مامانم گفت: «باشه درست میکنم». منم گفتم: «تو دیگه چقد رو داری بجای اینکه دستور بدی سریع صبحانه رو بخور که بریم لب دریا!» اونم خندید. بعد خوردن صبحانه حاضر شدیم و رفتیم. کمی قدم زدیم، برای هم دیگه از خاطرات بچگی تعریف کردیم. بعد من که خیلی طرحی دوست دارم، گفتم: «بیا رو شن‌ها نقاشی بکشیم». داداشم قبول کرد و شروع کردیم به نقاشی روی شن‌ها! دستمون رو گذاشتیم تا نقاشی دستامون هم بمونه رو شن‌ها. بعد گفتم: «بیا بریم دریا اما زیاد دور نریم میترسم». موج میزد، مردم شدم که نریم اما داداشم گفت: «بیا بریم هیچی نمیشه کمی همو خیس کردیم. بعد داداشم گفت: «بیا یکم جلوتر بریم!» من گفتم: «نه خطرناکه من میترسم تو هم نباید بری!» کلی اصرار کردم که نره اما به حرفم گوش نکرد و کار خودش رو انجام داد و رفت. گفتم: «زودی برگرد». گفت: «چشم خواهر قشنگم». بعد من تصمیم گرفتم که دوباره طراحی کنم رو شن‌ها. ده دقیقه گذشت. دیدم محمد نیست، جلوتر رفتم، هر چی صدالش کردم، جواب نداد. سریع پدر و مادرم را صدا کردم. آنها هم مانند من خیلی نگران شدند. پدرم اومد لب دریا هرچی صدالش کرد جواب نداد. آخر رفتم و زنگ زدیم تا نجات غریق بیاید. انگار دنیا رو سر من و مادرم خراب شده بود. برادرم همون که از بچگی مراقب من بود. رفیق و تکیه گاهم. حالا غرق شده و خبری ازش نیست. چرا رفت جلوتر و اینجوری شد؟! خدا! داشتمو بهم برگردون. سه روز بعد غواص ها تازه پیدایش کردند. آنقدر گریه کردیم که دیگه نتوانی برامون نمونه بود.

افتتاح نود و هفتمین دفتر خدمات مسافری

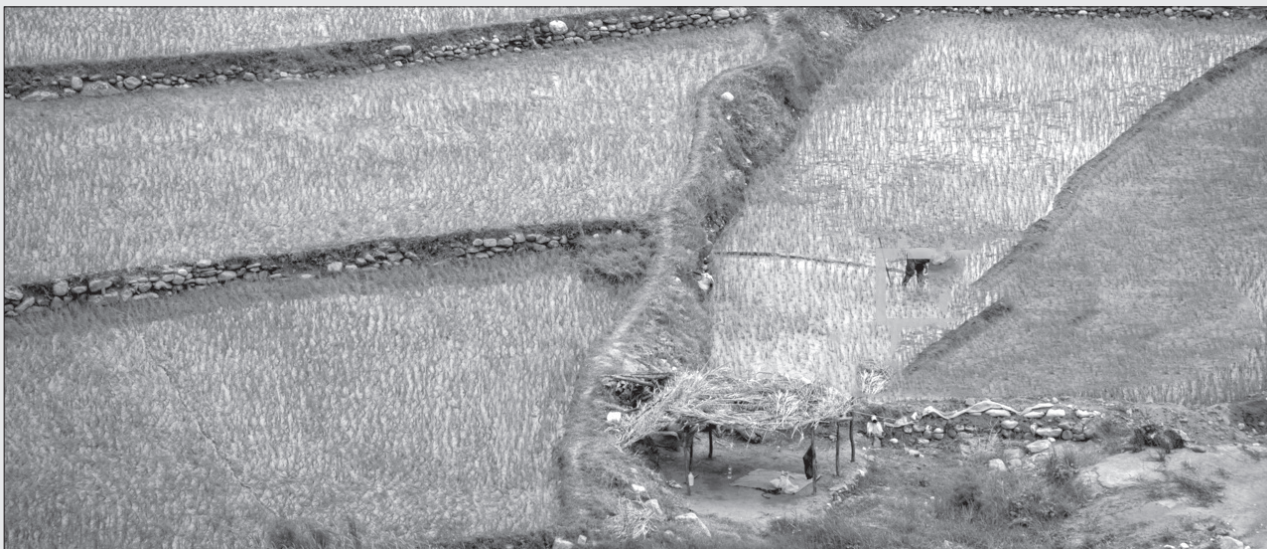


گلستان و اداره کل میراث فرهنگی استان با فراهم کردن شرایط مناسب، آماده استقبال از سرمایه‌گذاران برای ایجاد زیرساخت‌های جدید هستند که این اقدامات، گامی مهم در مسیر تبدیل گلستان به مقصد اصلی گردشگری ایران به شمار می‌رود. معاون گردشگری اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گلستان افزود: دفاتر مسافرتی و راهنمایان گردشگری گلستان در نوروز ۱۴۰۴ نقش مهمی در جذب تورهایی داخلی از استان‌هایی نظیر خراسان، تهران، کردستان و لرستان و همچنین تورهایی خارجی از کشورهای عراق و عمان داشتند و متوسط اقامت گردشگران تورها بین سه تا پنج شب بود که نویدبخش افزایش تورهایی ورودی به این استان در آینده است. رئیس اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گنبدکاووس، هم گفت: این شهرستان در حال حاضر ۱۶ دفتر خدمات مسافرتی و گردشگری فعال دارد که این دفاتر نقش بسزایی در معرفی جاذبه‌های تاریخی و طبیعی گنبدکاووس به گردشگران داشته‌اند. مریم آق‌آتابای بیان کرد: دفتر جدید گلزار با سرمایه‌گذاری ۲۱ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریالی بخش خصوصی راه‌اندازی شده و برای ۶ نفر اشتغال ایجاد کرده است. با توسعه زیرساخت‌های گردشگری، جذب سرمایه‌گذاری و افزایش فعالیت دفاتر مسافرتی، گلستان در مسیر تبدیل شدن به مقصدی چهارفصل برای گردشگران قرار دارد.

درصد رسید و برخی واحدها حتی ۱۰۰ درصد ظرفیت خود را پر کردند که این استقبال گسترده، ضرورت توسعه زیرساخت‌های اقامتی، پذیرایی، تفریحی و سرگرمی را بیش از پیش آشکار می‌کند. قندهاری با تأکید بر لزوم توسعه دفاتر مسافرتی و گردشگری، اظهار کرد: این مراکز زمینه‌ساز جذب سرمایه‌گذاران به حوزه گردشگری هستند. وی گفت: مدیران ارشد

نود و هفتمین دفتر خدمات مسافرتی و گردشگری استان گلستان در گنبدکاووس افتتاح شد که به گفته معاون گردشگری اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گلستان، این رویداد نشان دهنده عزم جدی این استان برای توسعه زیرساخت‌های گردشگری و تبدیل شدن به مقصدی جذاب برای گردشگران داخلی و خارجی است. به گزارش روابط عمومی، یاسر قندهاری اظهار کرد: این دفاتر نه تنها فرصت‌های شغلی جدیدی ایجاد می‌کند، بلکه به افزایش ماندگاری مسافران و رونق اقتصادی منطقه نیز منجر می‌شود. وی بیان کرد: هر دفتر خدمات مسافرتی و گردشگری در گلستان بین ۲ تا ۶ فرصت شغلی مستقیم ایجاد می‌کند؛ این مراکز با جذب گردشگران و ارائه خدمات متنوع، به توسعه اقتصادی استان و افزایش ورود مسافران کمک می‌کنند. به گفته قندهاری، در تعطیلات نوروز امسال، بیش از ۹ میلیون مسافر به گلستان سفر کردند که حدود ۵۰۰ هزار نفر از آن‌ها بین یک تا هفت شب در این استان اقامت داشتند که این آمار نشان‌دهنده ظرفیت بالای گلستان برای تبدیل شدن به مقصد اصلی گردشگری است. معاون گردشگری اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گلستان افزود: در نوروز امسال، میانگین اشغال واحدهای اقامتی گلستان شامل هتل‌ها، هتل آپارتمان‌ها و اقامتگاه‌های بوم‌گردی به ۸۰

کشاورزان گلستان به سمت کشت کم آب‌بر بروند



مسئولین کشاورزی با توجه به خشکسالی شدید در استان گلستان از کشاورزان خواسته‌اند با تغییر الگوی کشت، مصرف آب را بهینه کرده و تولید پایدار را تضمین کنند. به گزارش روابط عمومی، معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی گلستان بر لزوم تغییرات استراتژیک در کشاورزی به دلیل کاهش ۴۰ درصدی بارش‌ها نسبت به سال گذشته تأکید کرد. علی‌اکبر مهقانی بیان کرد: خشکسالی باعث کاهش چشمگیر جریان رودخانه‌ها، سطح آب سدها و دسترسی به آب زیرزمینی از چاه‌های کشاورزی شده است. وی اظهار کرد: کمبود آب در منطقه، نیاز به رویکردی متعادل در کشت محصولات پرآب‌طلب را ضروری می‌سازد. وی ادامه داد: کشاورزان باید به توصیه‌های کارشناسان عمل کنند و کشت محصولات پرآب‌طلبی مانند شالی و ذرت علوفه‌ای را کاهش دهند. معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی گلستان گفت: برای سال کشاورزی جاری، ۴۸ هزار و ۵۰۰ هکتار به کشت شالی اختصاص یافته است. مهقانی بیان کرد: با توجه به کاهش بارش‌ها، از کشاورزان خواسته شده تا به سمت محصولات کم‌آب‌بر و روش‌های خشک‌کاری شالی حرکت کنند. وی افزود: سال گذشته، ۵۴ هزار هکتار از اراضی استان زیر کشت شالی بود که در شرایط کنونی ناپایدار تلقی می‌شود. مهقانی کشت پنبه را به عنوان جایگزینی مناسب برای محصولات پرآب‌طلب پیشنهاد داد. برای سال

تا از کاهش عملکرد محصول جلوگیری شود. وی گفت: خشکسالی تاکنون ۱۰۰ هزار هکتار گندم و ۴۰ هزار هکتار جو را در مناطق شمالی گلستان از چرخه تولید خارج کرده است. برداشت محصولات پاییزه شامل سیب‌زمینی، کلزا، گندم، جو و چغندر قند از اواسط اردیبهشت آغاز شده و تا اواسط تابستان ادامه خواهد داشت.

عنوان کشت دوم پس از برداشت گندم، جو و کلزا نیز رواج یافته است. وی ادامه داد: بارش‌های اخیر باعث افزایش رطوبت در مزارع گندم و جو شده و خطر بیماری‌های قارچی مانند لکه‌برگی، زنگ زرد و فوزاریوم را افزایش داده است. مهقانی از کشاورزان خواست تا مزارع خود را در مرحله خوشه‌دهی با سم‌پاشی به موقع محافظت کنند

جاری، سهمیه کشت پنبه ۲۹ هزار هکتار تعیین شده که پیش‌بینی می‌شود ۲۲ هزار هکتار آن محقق شود. سال گذشته، ۱۲ هزار و ۵۰۰ هکتار از اراضی گلستان به کشت پنبه اختصاص یافت. معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی گلستان افزود: کشت پنبه به طور معمول از اواخر فروردین آغاز می‌شود اما در سال‌های اخیر به



تجدید آگهی مزایده عمومی



شهرداری گرگان در نظر دارد

ردیف	آدرس	شرح مشخصات جایگاه	مدت اجاره بهاء	مبلغ تضمین شرکت در مزایده (ریال)	مبلغ کارشناسی اجاره بهاء (ریال)
۱	جایگاه سی‌ان‌جی استرادیاد - بلوار کمربندی، میدان ترمینال، ابتدای بزرگراه گرگان - آق‌قلا	مساحت جایگاه حدود ۱۱۸۰ مترمربع عرصه و حدود ۷۲ مترمربع ساختمان جهت انجام امور اداری و مدیریت می‌باشد و معوله سازی و تجهیزات شامل کمپرسور با ظرفیت ۱۵۰۰ مترمکعب بر ساعت و تعداد ۷۲ عدد مخازن ذخیره گاز میباید جایگاه دارای ۳ دیپنسر SAFE و ۶ دستگاه نازل که ۵ تا نازل فعال است.	دو سال	۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰	اجاره ماهیانه برای سال اول به مبلغ ۵۸۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جمع کل یک سال ۶/۹۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال برای سال دوم ماهیانه ۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جمع کل سال دوم ۸/۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و جمع کل دوسال به مبلغ ۱۵/۳۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

نسبت به استناد ماده ۳۰ آیین‌نامه معاملات شهرداری نسبت به اجاره جایگاه CNG استرادیاد برای مدت دو سال بر مبنای پایه کارشناسی از طریق مزایده عمومی اقدام نماید، لذا متقاضیان می‌توانند از تاریخ ۰۳/۰۲/۱۴۰۴ لغایت مورخه ۲۲/۰۲/۱۴۰۴ به سامانه ستاد آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

☎ تلفن تماس: ۰۱۷۳۲۲۴۰۷۵۲

مجید طاهری - سرپرست شهرداری گرگان - شناسه آگهی ۱۹۱۶۱۳۶

گلشانه

۰۱۷۳۲۲۴۴۳۰۲

۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶

تکمیل مرکز ترک اعتیاد گنبد کاووس شتاب می گیرد

اعتیاد، نسل جوان را هدف قرار داده‌اند و مدیران باید با همدلی و جدیت در این میدان حضور یابند و از کارهای جزیره‌ای پرهیز کنند. وی با تأکید بر آمادگی سپاه و بسیج برای خدمت به مردم، پیشنهاد داد: از ظرفیت رسانه‌ها، مساجد، معتمدان، ورزشکاران و قهرمانان در محلات آسیب‌پذیر برای مقابله با این تهدیدات استفاده شود. مدیر شبکه بهداشت و درمان گنبد کاووس هم خواستار افزایش دو برابری مراکز MMT (درمان معنادار) با داروهای نگهدارنده مانند متادون) شد. رضا صابری با اشاره به وجود ۲۵ مرکز MMT در این شهرستان، گفت: برخورد قاطع با فروشندگان غیرمجاز داروهای مخدر و اعمال جرائم بازدارنده ضروری است. وی همچنین با اشاره به هفته سلامت (اول تا هفتم اردیبهشت) با شعار «سرافزای سلامت، آینده‌ای سرآمد»، از افتتاح چند طرح عمرانی در حوزه بهداشت و درمان و اجرای برنامه‌های آموزشی و فرهنگی خبر داد. در این جلسه، رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر گنبد کاووس گزارشی از کشفیات مواد مخدر، دستگیری معنادار و خرده‌فروشان ارائه کرد. همچنین رئیس اداره بهزیستی این شهرستان فعالیت‌های کمیته فرهنگی شورای پیشگیری و مقابله با مواد مخدر در ایام نوروز را تشریح کرد.



بسیج سپاه گنبد کاووس هم در این نشست با انتقاد از عملکرد ضعیف برخی دستگاه‌ها در حوزه آسیب‌های اجتماعی، اظهار کرد: دشمنان انقلاب با ترویج فساد

شد و افزود: از ظرفیت ورزشکاران ملی‌پوش گنبد کاووس برای پیوستن به پوش‌هایی مانند "ته به مواد مخدر" باید بهره گرفت. سیدعلی حسینی، فرمانده ناحیه مقاومت

فرماندار گنبد کاووس، بر لزوم تسریع در تکمیل مرکز نگهداری و ترک اعتیاد دولتی موسوم به ماده ۱۶ با ظرفیت ۴۵۰ نفر تأکید کرد. به گزارش روابط عمومی، سلیمان هاشمی در جلسه شورای پیشگیری و مقابله با مواد مخدر این شهرستان بیان کرد: این پروژه که از اواخر سال ۱۴۰۱ در سه سوله متعلق به یکی از ادارات آغاز شده، هنوز به پیشرفت فیزیکی ۵۰ درصد نرسیده است. وی بیان کرد: مسئولیت تکمیل این مرکز درمانی به سپاه نینوا گلستان واگذار شده و ۱۵ اداره و نهاد شهرستان با وظایف مشخص در این پروژه مشارکت خواهند داشت. این نهادها موظف‌اند با جدیت به تعهدات خود عمل کنند. فرماندار گنبد کاووس همچنین بر اجرای طرح باریگران زندگی در ۴۰ روستای بخش مرکزی و ۱۰ روستای بخش داشلی‌برون تأکید کرد و گفت: این طرح با هدف آگاهی‌بخشی، ترویج زندگی سالم، آموزش مهارت‌های مقابله با آسیب‌های اجتماعی و افزایش شور و نشاط در میان نوجوانان و جوانان اجرا می‌شود. هاشمی گفت: این طرح گامی مهم در پیشگیری از اعتیاد و کاهش آسیب‌های اجتماعی در مناطق روستایی است. وی همچنین خواستار اختصاص ۳۰ درصد از زمان سالن‌های ورزشی به گروه‌های هدف با حداقل هزینه

نرخ خرید تضمینی گندم پاسخگوی هزینه‌های کشاورزان نیست

نکند، کشاورزان متضرر خواهند شد. مدیرعامل بنیاد ملی گندمکاران کشور همچنین با انتقاد از عدم پرداخت مطالبات کشاورزان علیرغم خرید محصول، گفت: قانون صراحت دارد که در صورت تأخیر، باید سود روزشمار به کشاورزان پرداخت شود، اما متأسفانه این قانون اجرایی نمی‌شود. مدیرعامل بنیاد ملی گندمکاران درباره نگرانی دیگر کشاورزان گفت: در زمینه کلزا نیز مشخص نیست چه نهادی خرید محصول را برعهده می‌گیرد. سال گذشته نیز کشاورزان ماه‌ها در انتظار پول خود ماندند، در حالی که کارخانه‌ها سود قابل‌توجهی کسب کردند. وی خاطرنشان کرد: تأخیر در پرداخت‌ها و بلا تکلیفی در زمان برداشت، مستقیماً بر معیشت کشاورزان و کشت دوم تأثیر می‌گذارد و مسئولان باید از هم‌اکنون برای ساماندهی این وضعیت وارد عمل شوند.



مدیرعامل بنیاد ملی گندمکاران کشور از ارسال نامه به وزیر جهاد کشاورزی جهت بازنگری در نرخ خرید تضمینی گندم خبر داد و گفت: نرخ اعلام شده ۲۰ هزار و ۵۰۰ تومان پاسخگوی هزینه‌های کشاورزان نیست. به گزارش روابط عمومی، علیقلی ایمانی گفت: نرخ خرید تضمینی گندم که در شهریورماه ۲۰ هزار و ۵۰۰ تومان اعلام شد، از ابتدا مورد رضایت گندمکاران نبود و اکنون با افزایش قیمت نهاده‌ها، سموم، ماشین‌آلات و سایر هزینه‌ها، عملاً برای کشاورز صرفه اقتصادی ندارد. ایمانی افزود: بر اساس محاسبات ما، با نرخ فعلی، کشاورز تنها حدود ۱۴ هزار و ۵۰۰ تومان عایدی واقعی دارد، در حالی که هزینه‌ها چند برابر شده است. وی از ارسال نامه‌ای به وزیر جهاد کشاورزی و رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس برای تجدید نظر در قیمت خبر داد و گفت: اگر نرخ‌ها تغییر



سرپرست انتظامی آزادشهر از دستگیری متهمان تحت تعقیب در این شهرستان خبر داد و گفت: طی یک ماهه گذشته ۵۵ متهم تحت تعقیب شناسایی و طی چند عملیات پلیسی دستگیر شدند. به گزارش روابط عمومی، روح الله اسکندریان از دستگیری متهمان تحت تعقیب در آزادشهر خبر داد و اظهار کرد: در اجرای طرح شناسایی متهمان تحت تعقیب و متواری، دستگیری این افراد قانون‌گریز در دستور کار پلیس‌های تخصصی و مأموران انتظامی آزادشهر قرار گرفت. وی افزود: در همین راستا طی یک ماهه گذشته ۵۵ متهم تحت تعقیب شناسایی و طی چند عملیات پلیسی دستگیر شدند. سرهنگ اسکندریان ادامه داد: برخورد قاطع و قانونی با مخلفان نظم و امنیت عمومی، متهمان تحت تعقیب مراجع قضائی فراری به طور ویژه از اولویت برنامه‌های پلیس در این شهرستان است. سرپرست انتظامی آزادشهر در پایان از شهروندان خواست، هرگونه اخبار و اطلاعات در خصوص مخلفان نظم و امنیت عمومی که شهروندان دارند، آن را از طریق شماره تلفن ۱۱۰ به مرکز فوریت‌های پلیس اطلاع رسانی کنند.

دستگیری متهمان تحت تعقیب در آزادشهر